

ایجاد انگیزه و آینده نگری امروز،

موفقیت و شادمانی فردا

با فرزندتان درباره آینده صحبت کنید؛ ببینید کودکتان برای بزرگ سالی اش چه خوابی دیده است؟ چه می خواهد و در آینده فکر چه شغلی را در سر می پروراند؟ درباره علایق و تمایلاتش بپرسید تا از میان صحبت هایش به آنچه کودک را هیجان زده می کند پی ببرید؛ سپس از او بپرسید چرا این شغل یا کارها را دوست دارد؟



پدر با ناراحتی وارد منزل می شود؛ کیفش را به زمین می کوبد و با ناله از زندگی سخت گله می کند، در حالی که به پسر کوچکش چشم می دوزد که مشغول درس خواندن است می گوید: «تا می تونی درس بخون بابا چون تا مثل من نشی، مثل پسر عموت بشی که درس خونند والان همه چی داره...» کودک به فکر فرو می رود، فکری عمیق که چطور می تواند آینده ای روشن داشته باشد...

حتماً شما هم که کودکی در خانه دارید بسیار به آینده اش فکر می کنید و هزاران نقشه در ذهن خود برای او و فرداهایش طراحی می کنید. شاید در کنار شما هم افراد زیادی هستند که با وجود درس خواندن و مدارک بالا، شغل مناسبی ندارند

و نسبت به آینده خود بسیار نا امیدند و منتظر معجزه! و این موضوع نگرانی شما را دو چندان می کند.

بگذارید خیالتان را راحت کنم با نقشه کشیدن و خیال پردازی کودک شما انسان سرشناس و موفقی نمی شود؛ اگر فرزند موفق و پویا می خواهید باید دست به کار شوید و به قول معروف مرد عمل باشید. **منتظر آینده نمایند آینده دلبنده شما همین لحظاتی است که به سادگی و آهستگی از کنارتان عبور می کند و متوجه نمی شوید.** چه می دانید! شاید هم زمانی را از دست داده باشید.

از کجا شروع کنیم؟



به نظرتان برای اولین قدم از کجا شروع کنیم؟ به نظر ما اولین و بهترین مکان منزل شماست آن هم زمانی که با فرزندتان بازی می کنید. مهم نیست کودک شما چند سال دارد، مهم این است که هنگام بازی همیشه او برنده نباشد؛ یعنی اگر دفعه قبل او پیروز بازی بوده این بار نوبت شماست. بگذارید طعم شکست را بچشد و بداند که همیشه نمی شود برنده بود.

هر قدر دلبندهتان ناله و گریه کرد باز هم زیر بار نروید. زمانی که به سنین بالاتر رسید با او رقابت تنگاتنگی داشته باشید تا از پیروز شدن لذت بیشتری ببرد. به فرزندتان انگیزه بدهید؛ برای درس، کار، آینده و نگذارید دیگران او را نا امید کنند. یک شبه نمی شود ره صد ساله رفت، برنامه ریزی دقیق می خواهد. **بهتر است بدانید انسان ها از بدو تولد به طور طبیعی، دارای انگیزه یادگیری هستند.** تلاش کودک برای دسترسی به یک اسباب بازی، تلاش وی برای راه رفتن، کوشش برای خوردن بدون کمک دیگران و... مثال هایی از انگیزه های طبیعی

آن‌ها برای یادگیری است؛ پس کار زیاد سختی ندارید، فقط اینکه باید انگیزه را در او حفظ و تقویت کنید.

نمی‌دانم داستان زندگی ادیسون را شنیده‌اید یا نه؛ اما گفته می‌شود او پدری عصبانی و تند خو داشت؛ زمانی که کوچک بود پدرش به خاطر ضربه سختی که به گوش ادیسون وارد آورده بود او را برای همیشه از نعمت داشتن شنوایی دو گوش محروم کرد و او فقط یک گوش برای شنیدن داشت!؟ زمانی که از آلبرت پرسیده شد با وجود این پدر عصبانی و نقص عضو او چطور انسان موفقی شده است؟ ادیسون در پاسخ گفت: «به خاطر مادرم، چون او همیشه در گوشم زمزمه می‌کرد (من مطمئنم تو انسان بزرگ و موفقی خواهی شد)» می‌بینید، مادر ادیسون تنها با یک جمله به کودکش انگیزه می‌داد.

راه‌های دیگر



برای قدم بعد سرزنش و مقایسه بچه‌ها را فراموش کنید. آینده کودکان را با گفتن جملاتی مثل «اینقدر خنگ نباش»، «تو هیچی نمیشی» نکشید. اگر بخواهید با میزان هوشمندی بچه‌ها فخرفروشی کنید آن‌ها را در فشار روانی قرار می‌دهید و از همه مهم‌تر این که دوران کودکی را از آنان می‌گیرید. **خلاقیت را در کودک رشد دهید**. یکی از راه‌های رشد خلاقیت اینست که به جای این که همه چیز را حاضر و آماده در اختیارش بگذارید، به وی کمک کنید تا از وسایل و ابزارهای دم دستی و غیرقابل استفاده، وسایل مورد نیاز خودش را بسازد. به او فرصت دهید فکر کند که چگونه می‌تواند به کمک یک لوله مقوایی که از انتهای

یک دستمال کاغذی رولی باقی مانده است و چند تکه پارچه، چسب و... یک جامدای رومیزی بسازد.

با فرزندتان درباره آینده صحبت کنید؛ ببینید کودکان برای بزرگ سالی‌اش چه خوابی دیده است؟ چه می‌خواهد و در آینده فکر چه شغلی را در سر می‌پرورانند؟ درباره علایق و تمایلاتش پرسید تا از میان صحبت‌هایش به آنچه کودک را هیجان زده می‌کند پی ببرید؛ سپس از او پرسید چرا این شغل یا کارها را دوست دارد؟

آینده را دنبال کنید

بعد از این که به سنین بالاتر رسید کار آینده نگری و انگیزه سازی برای فرزندتان را جدی‌تر دنبال کنید. شما بعد از گذشت چند سال حالا می‌دانید تصمیم او برای شغل آینده‌اش چیست؟ قطعاً در شانزده سالگی او رشته تحصیلی خود را انتخاب می‌کند و در همان زمان شغل خود را هم بر می‌گزیند. بنابراین وقت آن رسیده که از دل‌بندتان بخواهید تصمیم حتمی خود را بگیرد.

راه را برای رسیدن به کشاورزی، مکانیکی، پزشکی، روان‌شناسی و هر کدام را که مایل است هموار کنید. بزرگترین کمک شما در این سن به او آن است که هر چه بیشتر وی را با شغل آینده‌اش آشنا سازید. بگذارید در کنار تحصیل، در یک مزرعه مشغول به کار شود، در مکانیکی آموزش ببیند، کتاب‌های روان‌شناسی و... را در اختیارش قرار دهید. حتی با یک کارشناس تحصیلی در این باره صحبت کنید، من مطمئنم آن‌ها از این اتفاق خوشحال می‌شوند.



لذت بخش نیست زمانی که فرزندان وارد دانشگاه می‌شود از همکلاسی‌های چندین قدم جلوتر است و در واقع تجربه دارد؟ جالب نیست آنچه در کتاب مثال می‌آید او به چشم خود دیده است؟

هرگز نگویید زود است و هنوز وقت هست؛ این بزرگترین اشتباه ممکن از طرف شماست.

بنابراین

انگیزه واقعی و بلند مدت برخواسته از درون انسان‌ها می‌باشد. اگر کودکان انگیزه‌ای برای یادگیری ندارند، بدین دلیل است که موانعی بر سر راه انگیزه‌های طبیعی آن‌ها به وجود آمده است. پس راه را برای اندیشه و انگیزه‌های آنان باز کنید؛ آینده فرداست اما از همین امروز باید آن را ساخت.